توسعه ایرانی toseeirani.ir
شماره ۲۴ / پنج‌شنبه ۴ مرداد ۱۳۹۷ / ۱۲ ذی‌القعده ۱۴۳۹ / ۲۶ جولای ۲۰۱۸

پلیس پرده از جزییات برداشت

شرط‌بندی عجیب ۲ جوان برای تبهکاری در پایتخت

PDF Compressor Free Version



گروه حوادث: ۲ پسر جوان شرط بندی عجیبی در مسابقه موتور سواری داشتند.
همین اقدام کافی بود تا ۲ دزد به تبهکاران خیابانی پایتخت اضافه شوند.

شکار یک مرد

اوایل فروردین ماه سال جاری مردی سراسیمه پای در اداره پلیس گذاشت و از ماجرای هدف قرار گرفتن ۲ جوان گوشی قاپ در منطقه تهرانپارس پرده برداشت.
این مرد به ماموران گفت: سوار بر خودرویم پشت چراغ قرمز توقف کرده بودم که گوشی موبایلم زنگ خورد و سپس در حال صحبت کردن با یکی از دوستانم بودم که ناگهان ۲ جوان موتور سوار در کنار خودرویم توقف کردند و در چشم برهم زدنی اقدام به قاپیدن گوشی موبایلم کرده و با سرعت پا به قرار گذاشتند.
وی افزود: قصد تعقیب دزدان را داشتم اما چراغ قرمز بود و نتوانستم خودرویم به دنبال آنها بروم و دزدان پلاک موتورشان را با بستن یک زنجیر روی آن مخدوش کردند و نتوانستم سرنخی از آنها به دست بیاورم.

پلیس وارد عمل شد

بدین ترتیب تیمی از ماموران پلیس آگاهی تهران به دستور قاضی احمد زاده بازپرس دادسرای ویژه سرقت برای دستگیری ۲ جوان موتور سوار وارد عمل شدند.
کارآگاهان در تحقیقات ابتدایی پی بردند طعمه های دیگری از سوی ۲ جوان موتور سوار در منطقه تهرانپارس هدف گوشی قاپی قرار گرفته اند و این در حالی بود که سرنخ های پلیسی نشان از تازه کار بودن این سارق حرفه‌ای داشت.

دستگیری دزدان

در حالی تجسس های پلیسی ادامه داشت که هر روز پرونده های جدیدی از گوشی قاپی ۲ جوان موتور به پلیس مخابره می شد تا اینکه عصر روز ۱۱ فروردین ماه ماموران گشت کلانتری در جریان گوشی قاپی از مرد جوانی قرار گرفتند.
ماموران با حضور در محل سرقت پی بردند که ۲ مرد جوان در حال عبور از خیابان بوده که ۲ پسر جوان با تهدید چاقو اقدام به سرقت گوشی موبایل وی کرده و پا به فرار گذاشته اند. ماموران که احتمال می دادند دزدان طعمه های دیگری را هدف سرقت هایشان قرار می دهند گشت زنی های خود را در منطقه تهرانپارس آغاز کردند.
گشت زنی های پلیسی ادامه داشت تا اینکه ماموران ۲ پسر جوان را که در کمین برای سرقت گوشی موبایل سوژه دیگری بودند را مشاهده کردند که در این صحنه دزدان وقتی خود را در برابر ماموران دیدند به سرعت پا به فرار گذاشتند.
همین کافی بود تا تعقیب و گریز پلیسی کلید زده شود و سارق موتور سوار با حرکات مارپیچ و سرعت زیاد سعی داشت از سایه پلیس فرار کند اما ماموران خیلی زود موفق به زمینگیر کردن ۲ سارق جوان شدند.
ماموران در بازرسی از بدنی از متهمان ۴ گوشی سرقتی و یک چاقو به دست آوردند و همین کافی بود تا ۲ پسر جوان به دزدی هایشان اعتراف کنند.

شرط بندی عجیب

امیر و ارسلان دو بچه محل هستند که از کودکی عشق به موتور سواری داشتند و ادعا می کنند که در موتور سوار حرف اول را می زنند.
این ۲ جوان همیشه با دوستانشان بر سر موتور سواری شرط بندی می کردند تا اینکه یکبار تصمیم گرفتند با هم مسابقه بگذارند و در صورتی که ارسلان ببازد باید با هم دست به گوشی قاپی بزنند.
باخت ارسلان در مسابقه موتور سواری با امیر باعث شد تا آنها دست به گوشی قاپی بزنند و امیر همیشه فکر می کرد به خاطر حرفه ای بودن در رانندگی هیچ وقت دستگیر نمی شود.

اعتراف

ارسلان در اعترافاتش گفت: از کودکی عاشق موتور سواری بودم و همیشه با دوستانم مسابقه می دادم و در محل زندگی مان پیش دوستانم به خاطر موتور سواری ام زبان زد همه بودم اما یکی از دوستانم که امیر نام دارد همیشه با من «کل کل» می کرد تا اینکه یک روز در قهوه خانه شرط بندی عجیبی کردیم.
وی افزود: اوایل فروردین ماه بود که امیر ادعا کرد اگر در مسابقه موتور سواری برنده با من برنده شود باید با هم دست به گوشی قاپی بزنیم. چون همیشه برنده مسابقه موتورسواری خیابانی بودم تصمیم گرفتم شرط را قبول کنم اما روز مسابقه متاسفانه امیر برنده مسابقه شد و من نیز پذیرفتم تا همراه او دست به دزدی بزنم.
سارق تازه کار ادامه داد: چون تازه کار بودیم ابتدا فیلم های جنایی زیادی دیدیم و در گام نخست پلاک موتورمان را با بستن یک زنجیر و قفل لاستیک پنهان کردیم تا کسی نتواند رد ما را بزند و در ادامه با توجه به اینکه موتور سوارهای حرفه ای بودیم فکر نمی کردیم دستگیر شویم تا اینکه در یک تعقیب و گریز پلیسی زمینگیر شدیم.
ارسلان گفت: هر دو بیکار بودیم و پس از اینکه پول خوبی از فروش گوشی ها به دست آوردیم تصمیم گرفتیم به سرقت هایمان ادامه دهیم.
بنا به این گزارش، متهمان برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران پلیس آگاهی تهران قرار دارند.

خبر

دادگاه کیفری یک تهران رسیدگی کرد

قتل خواهر در شب نحس

گروه حوادث: مرد خشمگین با کتک زدن خواهرش که همخانه بودند او را به قتل رساند. این مرد با نقض حکم قصاص اش دیروز بار دیگر پای میز محاکمه ایستاد.

زن کبود

ظهر سی ام اردیبهشت ماه سال ۹۵ یک مرد ۶۰ ساله با کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب تماس گرفت و از مرگ خواهر ۶۷ ساله اش به نام پروین خبر داد.
پلیس وقتی به خانه ویلایی در سعادت آباد رفت در پاگرد با جنازه کبود زن سالخورده روبه رو شد.

ماجرا چه بود؟!

برادر این زن به نام فریبرز که هراسان بود گفت: بعد از فوت پدر و مادرم من در طبقه دوم خانه موروثی و خواهرم در طبقه اول زندگی می کردیم. دیشب حالم خوب نبود. به همین خاطر به بیمارستان رفتم و ساعت ۲ نیمه شب به خانه برگشتم. همان موقع خواهرم از صدای بسته شدن در پارکینگ از خواب بیدار شده بود به پاگرد آمد و شروع به داد و فریاد کرد. او می گفت باعث شده ام از خواب بیدار شود. سعی کردم به او بفهمانم که بیمارستان بوده ام اما خواهرم عصبانی بود. او با سنگی که در دست داشت به سمت من حمله کرد.
وی افزود: پروین با سنگ به دستم کوبید که موجب شکستن انگشتانم شد. من هم او را با مشت و لگد کتک زدم. سر خواهرم با میله های راه پله برخورد کرد و روی زمین افتاد. من همان موقع به خانه ام رفتم اما ظهر وقتی قصد داشتم برای خرید از خانه بیرون بروم در راه پله ها با جنازه او روبه رو شدم.

بازداشت قاتل

با این اعترافات برادر پروین دستگیر شد و تیمی از ماموران پلیس وارد عمل شدند تا پرده از جزییات حادثه بردارند.

ادعای خواهر کوچکتر

در این مرحله خواهر کوچک فریبرز نیز از او شکایت کرد و گفت او از مدت ها قبل به خاطر ارث و میراث با خواهرش اختلاف داشته و به همین خاطر هم او را کشته است.
در حالی که پزشکی قانونی علت مرگ را ضربه مغزی اعلام کرده بود برادر دیگر فریبرز از شکایت صرف نظر و اعلام گذشت کرد. ولی خواهر کوچک وی برای فریبرز قصاص خواست.

در دادگاه

این مرد در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.
در آن جلسه متهم به دفاع پرداخت و گفت: من واقعا قصد کشتن خواهرم را نداشتم. او به حمله کرد و موجب شکستن انگشتان دستم شد. من هم به خاطر عصبانیت او را اهل دادم و کتک زدم.

قصاص

در پایان جلسه هیات قضایی فریبرز را به قصاص محکوم کرد و این مرد از فرصت قانونی برا اعتراض به مجازات خود استفاده کرده و پرونده به دیوانعالی کشور ارجاع شد.

نقض حکم

این حکم پس از رسیدگی های تخصصی در شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور تایید نشد. به این ترتیب رسیدگی به پرونده از سر گرفته شد و فریبرز دیروز بار دیگر در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد. در این جلسه که به ریاست قاضی اصغر عبداللهی و با حضور یک مستشار تشکیل شد خواهر قربانی در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: برادرم با نقشه قبلی و به خاطر ارث و میراث خواهرم را کشت. به همین خاطر حاضرم تفاضل دیه را بپردازم تا فریبرز اعدام شود. اما برادر وی از خون خواهرش گذشت و اعلام رضایت کرد. سپس متهم در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: خواهرم زن بدخلقی بود. او هیچ وقت ازدواج نکرده و با پدر و مادرمان زندگی می کرد. پروین بعد از فوت پدر و مادرمان در خانه آنها زندگی می کرد. خواهرم با رفتارهایش موجب شده بود همسرم از من جدا شود. همسر و فرزند معلولم هم در خانه ای دیگر زندگی می کردند و من به تنهایی در طبقه دوم خانه موروثی ساکن بودم.
وی ادامه داد: آن شب وقتی از بیمارستان به خانه برگشتم خواهرم بی دلیل شروع به داد و فریاد کرد. سعی کردم به او بفهمانم حالم خوب نیست و از بیمارستان به خانه برگشته ام اما او آرام نبود و با سنگ به سمت من حمله کرد. او می گفت چون دیروقت به خانه برگشته ام او را از خواب بیدار کرده و موجب بدخواب شدن او شده ام. رفتارهای او باعث شد کنترل اعصابم را از دست بدهم و او را کتک بزنم. باور کنید برخورد سر او با میله های نرده موجب مرگ او شد. من از شدت عصبانیت او را رها کردم ولی ظهر روز بعد وقتی سراغش رفتم که جان سپرده بود.
بنابه این گزارش؛ با پایان دفاعیات این متهم هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.



دستنوشته داماد علیه مادرزن را گشا بود

تیر خلاص پایان ۲ سال زندگی عاشقانه

گروه حوادث: اقدام عجیب یک مرد در سرنوشت زندگی مشترکشان سناریوی هولناکی را رقم زد و دست نوشته آخر این مرد نشان از اختلاف آنها با مادرزنش دارد.
عقربه ها ساعت ۶:۳۰ دقیقه عصر سه شنبه ۲ مرداد ماه امسال را نشان می داد و تیمی ماموران از کلانتری ۱۶۳ فرجام در حال گشت زنی در نزدیکی باغ پرندگان بودند که به خودروی زانتیای سفید رنگ مشکوک شدند.
ماموران در بررسی های ابتدایی مشاهده کردند که زوج جوان داخل خودرو هستند اما هیچ تحرکی ندارند و زمانیکه ماموران خود را به زانتیا رساندند با صحنه هولناکی روبرو شدند.
اجساد زن ۳۵ ساله و مرد ۳۷ ساله در حالیکه هدف گلوله مرگبار از ناحیه سر قرار گرفته بودند روی صندلی ها دیده می شدند و همین کافی بود تا تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه بازپرس ویژه قتل در صحنه جرم حاضر شوند.
کارآگاهان در بررسی های ابتدایی مشاهده کردند که کلت کوچکی در دست مرد جوان است و با توجه به نحوه قرارگیری تفنگ در دست مرد جوان و مسیر گلوله های شلیک شده نشان از خودکشی تلخ زوج جوان در داخل خودرو داشت.
تیم جنایی در کاوشگری ها با یک نامه دست نوشته ای که روی صفحه کیلومتر خودرو وجود داشت روبرو شدند که مشخص شد قربانیان این جنایت زن و شوهر هستند.

یادداشت داماد عصبانی

کارآگاهان دست نوشته ای که روی صفحه کیلومتر وجود داشت را مورد مطالعه قرار دادند که نوشته شده بود:: «برسد به دست مادرزنم مسبب مرگ من و همسرم مادرزنم. دلیل جدایی من از همسرم جدایی از عشقم. مادر زن دیدار به قیامت.» زیر دست نوشته دو شماره تماس وجود داشت که برای برادران زن و مرد جوان بود.
ماموران در ادامه کاوشگری ها موفق به پیدا کردن خودکار آبی رنگ شدند و سرنخ ها نشان از آن داشت که مرد جوان ابتدا همسرش را به قتل رسانده و سپس با نوشتن این دست نوشته با شلیک تیر خلاص به زندگی اش پایان داده است.

بی اطلاعی زن از اقدام شوهر

کارآگاهان در ادامه بازرسی داخل خودرو با توجه به اینکه زن جوان گوشی موبایلش را در دست داشته و در حال نشان دادن تصویری از حلقه ازدواجشان بوده احتمال دادند که مرد جوان در اقدامی غافلگیرانه دست به قتل همسرش زده و سپس به زندگی خود پایان داده است.
کارآگاهان در ادامه تحقیقات با بررسی شماره پلاک خودروی زانتیا موفق به شناسایی صاحب خودرو شدند و مشخص شد که خودرو متعلق به برادر مرد جوان بود.
پسر جوان گفت: برادرم امروز ماشین را از من چند ساعتی قرض گرفت و چون کمی با تاخیر خودرو را به او رسانده بودم دیگر کاری نداشتم که چه زمانی باز می گردد به همین خاطر دیگر پیگیر ماجرا نشدم تا اینکه پلیس با من تماس گرفت.

جزئیات از زبان بازپرس

بازپرس ویژه قتل گفت: تحقیقات در خصوص این حادثه در دستور کار ماموران پلیس آگاهی است، اما به توجه به دست نوشته به جا مانده اختلافات خانوادگی باعث شده تا این زن و مرد جوان دست به چنین کاری بزنند. دست نوشته ها نشان می دهد که پای نفر سومی درمیان است که در زندگی آن ها دخالت داشته و این زوج جوان پس از دو سال زندگی تصمیم به چنین اقدامی گرفته اند. اما این که زن جوان از سوی همسرش به قتل رسیده یا خودش هم قصد پایان دادن به زندگی اش را داشته، به درستی مشخص نیست. گلوله به ناحیه چپ سر وی برخورد کرده بود. نکته که شک ما را برانگیخت قرارگیری تلفن همراه آن زن در دستانش بود.
کسی که قصد خودکشی داشته باشد، معمولا با تلفن همراهش کاری ندارد، به همین دلیل حدس می زنیم که مرد جوان که پشت فرمان بوده پس از انتقال همسرش به محلی خلوت ابتدا در یک غافلگیری همسرش را به قتل رسانده و سپس اقدام به خودکشی کرده است.
بنا به این گزارش، تحقیقات در این پرونده در دستور کار ماموران پلیس آگاهی تهران قرار دارد.

یادداشت

قاتل، قهرمان نیست

فاطمه محمدشهریاری

مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا به روش تعدادی از افراد به اصطلاح منور الفکر داخلی در یادداشتی در دوم مرداد در روزنامه «یواس‌ای‌تودی» اعلام کرد که محمد ثلاث از درایوش گنابادی بر اثر شکنجه به اعتراف اجباری تن داده بود.
لازم دیدم چند نکته را جهت تنویر افکار اعلام کنم:
۱- پس از تهاجم عمدی اتوبوس به ماموران پلیس اینجانب شخصا ابتدا با حضور در پزشکی قانونی و تشخیص هویت، اجساد را در سردخانه بیمارستان لبافی نژاد معاینه کردم که همگی در اثر صدمات متعدد (برخورد اتوبوس) به شهادت رسیده بودند و عده‌ای از ماموران پلیس نیز مجروح شده بودند.
۲- متهم محمد ثلاث به بیمارستان امام سجاد(ع) منتقل شد و در بیمارستان مذکور او را ملاقات کردم. وی در همان شب که حادثه اتفاق افتاده بود، یعنی به فاصله چند ساعت پس از تهاجم عمدی و هنوز هیچ کس از وی بازجویی نکرده بود و به آگاهی هم منتقل نشده بود، ضمن اعتراف به تهاجم عمدی به ماموران و زیر گرفتن آنان با اتوبوس علت آن را عصبانی بودن خود اعلام کرد.
۳- متهم ثلاث فردای همان روز در بیمارستان اعتراف به تهاجم عمدی کرد، در حالی که هنوز به اداره آگاهی یا هر مرجع انتظامی دیگری منتقل نشده بود.
۴- اعترافات وی در دادسرا موجود است که نامبرده اعتراف به تهاجم عمدی کرده است. همچنین فیلم‌های اعترافات وی در دادگاه هم موجود است.
اما حقوق دفاعی متهم:
در دادسرا وکیل تسخیری داشت. سلامت روانی وی تایید شد. همان شب از وی آزمایش الکل، اعتیاد و غیره گرفته شد که جواب آزمایشات منفی بود. صحنه جنایت توسط متهم بازسازی شد که عکس ها و فیلم آن موجود است. در دادگاه و اجرای احکام دو نفر وکیل تعیینی داشت. اعاده دادرسی وی رد شد. قصاص با تقاضای اولیای دم است که خواهان قصاص بودند. زینب طاهری وکیل تعیینی متهم در مرحله اجرا بدون مطالعه پرونده درخواست اعاده دادرسی کرد که در دیوان عالی رد شد. خانم وکیل را یک مرتبه در حال ملاقات با متهم ثلاث در زندان دیدم که شناختی از وی نداشتم که پس از معرفی خود تمامی فیلم ها را به وی نشان دادم و متهم ثلاث در حضور وی می گفت من با اتوبوس زده ام، اولیای دم از بیمه ثلاث استفاده کنند. خانم وکیل گفت ثلاث دیوانه شده است که من به وی گفتم روانپزشکی سلامت وی را تایید کرده است و الان هم دلیلی بر عدم سلامت روانی او وجود ندارد. خانم وکیل از صحبت ها و اعترافات متهم ثلاث عصبی شد. حالا قاتل، قهرمان داستان سرایی وی شده است. مشخص نیست اطلاعات خود را به عنوان یک وزیر از کجا بدست آورده، گمان بر این است که از دوستان مغرض داخلی خود گرفته است.»

سرپرست دادسرای امور جنایی تهران

خبر حوادث

خودکشی نافرجام دختربچه آبادانی از دست مرد همسایه

دختربچه آبادانی که توانسته بود از دست پیرمرد شیطان صفت فرار کند برای پایان دادن به زندگی اش اقدام به خوردن قرص های زیاد کرد.
عصر پنج شنبه ۲۸ تیرماه امسال ماموران پلیس آبادان در تماس مسئولان بیمارستان امام خمینی (ره) از ماجرای مرموز اقدام به خودکشی دختربچه ۹ ساله ای خبر دادند. ماموران با حضور در بیمارستان مشاهده کردند که دختر ۹ ساله‌ای به نام نیلوفر در منطقه کوی قدس با خوردن قرص اقدام به خودکشی کرده است که با تلاش پزشکان این دختر ۹ ساله از مرگ نجات پیدا کرد. ماموران در تحقیقات پی بردند که پدر نیلوفر سالها قبل به کام مرگ فرو رفته است و این دختربچه همراه مادرش زندگی می کند. نیلوفر پس از نجات از مرگ در بازجویی های پلیسی سناریوی هولناکی را پیش روی ماموران قرار داد. نیلوفر گفت: پیرمرد همسایه مان با کتک کاری قصد آزار و اذیت مرا داشت و حتی توانست لباس هایم را از تنم در آورد اما با مقاومت و سر و صدا توانستم از دست مرد همسایه فرار کنم. دختربچه ادامه داد: از ترس و شوکی که به من وارد شده بود تصمیم به خودکشی گرفتم و اقدام به خوردن قرص های زیادی کردم اما با تلاش پزشکان نجات پیدا کردم. با ادعای این دختر ۹ ساله پرونده آزار و اذیت نیلوفر در اداره پلیس تشکیل شده و تیمی از ماموران برای تحقیقات ویژه وارد عمل شدند اما اثری از پیرمرد همسایه برای تجسس های پلیسی در خانه اش نبود.